

پیشه



میبد / یزد

سمانه ملازینی

عکس‌ها:

بهارک روشن بخش

وارد میبد که می‌شوید، مغازه‌ها و مجسمه‌های میدان شهر به شما می‌گویند که به شهر سفال و خورشید پا گذاشته‌اید. شهری که آوازه ظرف‌های سفالی و خورشید هفت پرش نه فقط در ایران بلکه در جهان نیز پیچیده است و طرح خورشید خانم در سال ۱۹۷۱ برنده جایزه نمایشگاه بین‌المللی مونیخ شد. هر چند طراح خورشید ظرف‌های سفالی، سالیان سال است که دیگر در بین سفالگران میبد نیست؛ اما طرح و نقش به یاد مانده از او شناسنامه سفال این شهر شده است. امروز کسی می‌تواند از سفال و طرح‌های روی آن مثل خورشید هفت پر، گنجشک و ماهی حرف بزند که عمری پاهایش روی چرخ سفالگری و دستانش دور گل‌ها چرخیده باشد، کسی که با نگاهی به گل آن را بشناسد، کسی که نزدیک به ۷۰ سال از عمرش را بین گل و آب و لعاب و کوره گذرانده باشد. مگر می‌شود در میبد، استاد محمدعلی پهلوان شمس‌ی رانشناسند و آدرسش را ندانند؟ این استاد پیر باتجربه را در کارگاهش بعد از گذار شهدای میبد می‌توان پیدا کرد.



استاد محمدعلی پهلوان شمس‌ی

از سختی‌های سفالگری می‌گوید

# کاسه ماهی‌ها و گنجشک‌ها

گل‌ها پیش از سوار شدن روی چرخ باید حسابی ورز داده شوند



استاد پهلوان شمس‌ی، تکه‌ای از گل ورز داده را جدا می‌کند، شکل کله‌قند به آن می‌دهد و روی دیواره چرخ سفالگری می‌گذارد و خودش از سکو بالا می‌رود و در سوراخی دستگاه سفالگری پشت چرخ می‌نشیند و توضیح می‌دهد: «سفالگری را از پدرم یاد گرفتم. از زمان بچگی کنارش بودم. او هم از پدرش یاد گرفته بود و سفالگری شغل آبا و اجدادی ماست. من همیشه می‌گویم این کار هم کاسبی نشد. (می‌خندد) آن روزها کار دیگری نبود که مردم بکنند. همین کار را بلد بودند اینکه با گل، ظرف و کاسه بسازند و بفروشند».

صدای دستگاه سفالگری در کارگاه می‌پیچد و پیرمرد سفالگر کارش را شروع می‌کند. دست‌ها دو طرف گل‌ها را که روی سرچرخ دستگاه سفالگری است، می‌گیرند و با چرخش گل، آن‌ها نیز انگار آرام آرام به رقص در می‌آیند. سه انگشت شست، اشاره و وسط گوشه‌های سفال را بالاتر می‌آورند و به آن شکل می‌دهند. نگاه‌ها به دست استاد پیر سفالگری است که سفال را به اوج می‌برد و شکل می‌دهد و برمی‌گرداند. هر بار که دستانش دور سفال خشک می‌شود، در «گادیشه» (گادوشه / ظرف بزرگ) پر از آب که کنار دستش گذاشته، فرومی‌کند و دوباره این دست‌های از جنس خاک را به دور خاک و گل می‌گیرد و ماهرانه به آن جان می‌دهد.

## ● قدیم

بالاخره دستگاه که خاموش می‌شود، استاد پهلوان شمس‌ی به حرف می‌آید و درباره کارش می‌گوید: «در قدیم، برق نبود و دستگاه‌ها همه پایی بودند. وقتی دستگاه‌ها برقی شدند، کار سفالگران راحت شد؛ ولی من می‌گویم با پا راحت‌تر است و حتی کاری که با دستگاه سفالگری پایی باشد ترک نمی‌خورد. قدیم‌ها کارها دقیق‌تر بود و دقت بیشتری داشتند. یادم می‌آید پدرم اگر ظرفی درست می‌کردیم که کج بود، پرت می‌کرد آن طرف و می‌گفت باید بهتر درست کنی. می‌گفت اگر این ظرف را دست مردم بدهم، پولش حرام است».

پیرمرد در ادامه، ابزارهای کارش را نیز یکی یکی نشان می‌دهد: «این که نخی به آن آویزان است، ریسمون (ریسمان) پایز است که برای بریدن ظرف آماده از روی بقیه گل روی دستگاه به کار می‌رود. ماله که آن را صاف می‌کند و این هم کارت‌تراش است. دو یا سه روز بعد از اینکه ظرف‌ها کمی خشک شدند باید کار را تراش داد و ناجوری‌های آن را گرفت. پایه چرخ سفالگری هم که پا روی آن قرار می‌گیرد، به شکل سنگ آسیاب است؛ اما جنسش از چوب است. در قدیم جای این میله آهنی که بین پایه و سرچرخ است نیز میله چوبی بود».

پیرمرد سفالگر دستانش را به دیواره دستگاه سفالگری‌اش می‌گیرد و خودش را از پشت دستگاه بالا می‌آورد. پا روی سکویی می‌گذارد و تا پا روی زمین می‌گذارد، خم می‌شود و دستانش را یک بار در خاک کف کارگاه و یک بار در ظرف سیلیس فرو می‌کند و بعد دستانش را بهم می‌مالد و با خنده می‌گوید: «گل روی دستم را این طوری تمیز می‌کنم. قرار نیست هر بار بروم و دستانم را بشویم».

## ● اتاق ظرف

لحظه‌ای درنگ در کار این استاد باتجربه نیست و زمان برایش ارزش دارد. دوست دارد کارها و تجربه‌هایش را ریز به ریز انجام و توضیح بدهد. سریع به سراغ مرحله بعد از ساختن ظرف‌ها و وسایل می‌رود. مرحله‌ای که باید وسایل تازه ساخته شده را به اتاق ظرف ببرد و آنجا بچیند، اتفاقی که قبل از اتاق گل است و سمت چپ سالن دوم قرار دارد. در اتاق ظرف نیز همانند اتاق گل، دو شمع در حال سوختن است